

تصویری از مهاجرت در استان خوزستان در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و موضوع مهاجرت بازگشتی

فرهنگ ارشاد

داود آقایی

استان خوزستان در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ از نظر مطالعه جابه‌جایی جمعیت و در مقایسه با سایر استان‌های کشور، جایگاه شایان توجهی داشته است. شکل غالب مهاجرت در کشورهای جهان سوم، مهاجرت روستاییان به شهرهاست که بیش‌تر طبق الگوی «مهاجرت مر حله‌ای» صورت می‌گیرد و نخست از روستا به نزدیک‌ترین شهر شروع شده و مهاجر پس از تطابق با شرایط کار و زندگی در شهر و پس از گذشت سه تا چهار سال (کم‌تر یا بیش‌تر) راهی شهرهای بزرگ‌تر می‌شود که در آن‌جا فرصت شغلی بهتر و احتمال درآمد بیش‌تر فراهم است. اما در دهه‌ی مذکور استان خوزستان الگوی دیگری از مهاجرت را نشان می‌دهد که گرچه مقطعی بوده، اما در روندهای توسعه‌ی استان تأثیر قابل مطالعه داشته است. و آن الگوی «مهاجرت بازگشتی» افرادی است که در اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ در اثر جنگ عراق علیه ایران از مناطق جنگی به شهرهای دیگر کوچ کرده و مجدداً در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۷۰ به اقامتگاه قبلی - یا اصلی - خود بازگشته‌اند. هدف عمده‌ی این مقاله ضمن توجه به الگوی کلاسیک مهاجرت مر حله‌ای، توجه بیش‌تر به الگوی مهاجرت بازگشتی است که در کشورهای جهان سوم چندان عمومیت نداشته، ولی در زندگی اجتماعی و اقتصادی شرایط کنونی خوزستان مؤثر بوده است.

مقدمه

یکی از مسایل جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی بسیاری از کشورهای موسوم به جهان سوم، پراکندگی نامتعادل جمعیت در سطح کشور است. برای نمونه، طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ ایران، در حالی‌که پراکندگی نسبی جمعیت در کل کشور به‌طور متوسط حدود ۳۷ نفر در کیلومتر مربع بوده، این میزان در استان‌های تهران و گیلان به ترتیب ۳۴۸ و ۱۵۲/۴ نفر، و اما در استان سیستان و بلوچستان ۹/۲ نفر و در سمنان ۵/۴ نفر در کیلومتر مربع بوده است. مشاهده می‌کنیم که جمعیت ایران به‌طور غیریکنواخت و نامتعادل در سطح کشور پراکنده شده است. جنبه‌ی دیگر عدم تعادل در پراکندگی جمعیت این‌که بیش از ۴۲٪ جمعیت ایران در ربع شمال غربی - که کم‌تر از یک چهارم مساحت کشور را داراست - متمرکز می‌باشد. این را باید افزود که جوامع کشورهای جهان سوم به ندرت از برنامه‌های جامع توسعه‌ی متوازن و بومی برخوردار هستند (زاکس، ۱۳۷۳: ۴۴ و ۱۰۹). این دو قضیه هر کدام بر پیچیدگی‌های دیگری می‌افزاید، چنان‌که با پراکندگی نامتعادل جمعیت، به‌سختی می‌توان ره‌آوردهای توسعه را به‌طور متعادل و متوازن بین مناطق کشور و بخش‌های مختلف جامعه توزیع کرد. جابه‌جایی‌های جمعیتی و به‌ویژه مهاجرت روستاییان به شهرها هم، برخلاف نظر کارکردگرایان، نه تنها باعث تعادل جامعه و تخفیف پراکندگی نامتوازن جمعیت نمی‌شود، بلکه بر بی‌تعادلی و پیچیدگی‌های آن می‌افزاید. این قضاوت در مورد استان خوزستان نیز صادق است. عواملی از قبیل تأسیسات عظیم نفت و گاز، صنایع سنگین، تأسیسات بندری، جریان اسکان عشایر و بالأخره وقوع جنگ تحمیلی و پیامدهای آن طی دو دهه‌ی اخیر، از جمله عواملی هستند که به‌ویژه در جابه‌جایی جمعیت در استان خوزستان تأثیر عمده داشته‌اند. در این تحقیق که تحلیلی کلی از وضعیت جابه‌جایی جمعیت در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ ارایه می‌دهد، می‌توان وقوع جنگ و پیامدهای آن را مهم‌ترین عامل مقطعی در این زمینه دانست. به این معنی که جنگ در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۶۰ باعث مهاجرت داخلی و برون‌کوچی بخش عمده‌ای از جمعیت استان شده، و در نیمه‌ی دوم آن دهه، به‌ویژه از سال ۱۳۶۷ به بعد جمعیت قابل توجهی از مهاجرین جنگی به خانه و کاشانه‌ی خود بازگشتند و پس از آن هم پیامدهای این جابه‌جایی‌ها، تأثیر ژرف در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی مردم این استان داشته است. بنابراین، بحث حاضر درباره‌ی مهاجرت در استان خوزستان، به شرایطی خاص مربوط می‌شود که گرچه قابل تعمیم به سایر استان‌های کشور نیست (شاید به استثناء دو سه استان مرزهای غربی) اما توصیف و تجزیه و تحلیل آن ضرورت دارد. زیرا اگر وضعیت خوزستان قابل تعمیم به سایر استان‌ها نباشد، وضعیت مهاجرت در سایر استان‌ها هم قابل تعمیم به خوزستان نیست. بدیهی است برای هرگونه سیاست‌گذاری و

آینده‌نگری در منطقه که با ساختار جمعیت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ارتباط پیدا می‌کند، توصیف و تجزیه و تحلیل الگوهای جابه‌جایی و حجم جمعیت مهاجر در استان، اهمیت به‌سزایی دارد.

لازم به اشاره است که بر اساس آمارگیری آبان ماه ۱۳۶۷ که توسط امور مهاجرین جنگی انجام گرفته، ۷۷٪ کل جمعیت مهاجرین جنگی کشور، متعلق به استان خوزستان بوده است (رفیعی، ۱۳۷۸: ۴۲). چنان‌که دو شهر آبادان و خرمشهر که در مقیاس ملی دو شهر نسبتاً بزرگ کشور بوده‌اند، تقریباً تمامی جمعیت خود را به عنوان مهاجر جنگی به مناطق دیگر در داخل یا بیرون از استان فرستاده‌اند. به‌طوری که در سرشماری ۱۳۶۵ فقط نیروهای نظامی و مأموران خدمات دولتی و افرادی که به گونه‌ای با این وضعیت ارتباط داشته‌اند در خرمشهر و آبادان زندگی می‌کرده، و این دو شهر از جمعیت متعارف خالی بوده است، و در سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از ۳۱۰،۰۰۰ نفر جمعیت شهرنشین در این دو شهر زندگی می‌کرده‌اند (سازمان برنامه و بودجه‌ی خوزستان، ۱۳۷۷). بدیهی است بخشی از این جمعیت ساکن مناطق خارج از استان خوزستان بوده که در سال‌های پایانی ۱۳۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ به آبادان و خرمشهر بازگشته و در سال ۱۳۷۵ در این دو شهر سرشماری شده‌اند. بخش مهم‌تری از این جمعیت بازگشتی هم در جای جای استان خوزستان یا در اقامتگاه‌های مهاجرین جنگی سکونت داشته و به این دو شهر بازگشته‌اند.

تصویر کلی مهاجرت در استان خوزستان

نتایج آخرین سرشماری عمومی ایران نشان می‌دهد که در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ استان خوزستان از نظر جابه‌جایی جمعیت وضعیت شایان توجهی داشته است. شمای کلی و مقدماتی وضعیت مهاجرت در استان خوزستان در دهه‌ی فوق در جدول شماره‌ی (۱) خلاصه شده است.

جدول شماره‌ی ۱. شمای کلی مهاجرت در استان خوزستان در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

۲۱۷,۰۰۰	برون‌کوچی از استان (مهاجرت از خوزستان به دیگر استان‌های کشور)
۲۸۳,۰۰۰	درون‌کوچی به استان (مهاجرت از استان‌های دیگر کشور به خوزستان)
۵۲۲,۰۰۰	مهاجرت داخلی استان (جابه‌جایی جمعیت بین نقاط مختلف استان خوزستان)

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.

داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ گویای آن است که خوزستان برحسب میزان مطلق جابه‌جایی در درون استان (مهاجرت داخلی) و همچنین مهاجران وارد شده به خوزستان (درون کوچندگی) بین استان‌های کشور - پس از تهران - در مرتبه‌ی دوم قرار داشته، و به‌طور نسبی و در مقایسه با یکایک استان‌های کشور (حتی تهران) در مرتبه‌ی اول بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶).

با ملاحظه‌ی جدول شماره‌ی (۱)، چنانچه فزونی جمعیت درون کوچنده را بر برون کوچندگان استان محاسبه کنیم، حجم مهاجرت خالص استان متجاوز از ۶۶,۰۰۰+ نفر می‌شود که به این ترتیب، خوزستان منطقه‌ی «مهاجرپذیر» به شمار می‌آید. اما باید به‌خاطر داشت که مرکز آمار ایران، کلیه‌ی افرادی را که طی ده ساله‌ی مزبور به منطقه وارد شده‌اند (مانند همه‌ی استان‌ها) «مهاجر وارد شده» به شمار آورده است. در حالی‌که برخلاف سایر استان‌ها، بخش قابل توجهی از جمعیت ۲۸۳,۰۰۰ نفر درون کوچندگان استان، «مهاجر بازگشتی» به خوزستان بوده که با فروختن جنگ به این منطقه بازگشته‌اند. برای نمونه، از ۳۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت شهرنشین در دو شهر آبادان و خرمشهر در سال ۱۳۷۵، نزدیک به ۱۴۶,۰۰۰ نفر از شهرستان‌های استان‌های دیگر کشور به این دو شهر آمده‌اند، که بخش قابل توجهی از آن‌ها «مهاجر بازگشتی» بوده‌اند. بنابراین، به‌سختی می‌توان خوزستان را در ده ساله‌ی موردنظر، منطقه‌ای مهاجرپذیر دانست. چنان‌که از ۲۱۷,۰۰۰ نفری که طی ده ساله‌ی فوق از استان خوزستان کوچ کرده‌اند، ۷۲,۰۰۰ نفر (۳۳٪) آن را مردان گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله (یعنی نیروی کار) تشکیل داده است، و این شاهدی قوی بر فرضیه‌ی «مهاجرفرستی» استان خوزستان می‌باشد. طبق همین داده‌های خام، استان خوزستان برحسب مردان گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ ساله منطقه‌ای «مهاجرفرست» بوده است (یعنی حاصل تفاضل درون کوچندگان از برون کوچندگان در استان در این گروه سنی، منفی بوده است). همچنین، چنان‌که در جدول شماره‌ی (۱) نشان داده شده، طی ده ساله‌ی موردنظر، نزدیک به ۵۲۲,۰۰۰ نفر در درون مرزهای استان خوزستان، اقامتگاه خود را تغییر داده و به جای دیگری در همین استان کوچ کرده‌اند. اضافه می‌کنم که از این جمعیت، ۵۰٪ آن (متجاوز از ۲۶۳,۰۰۰ نفر) از نقاط شهری به نقاط دیگر شهری استان، ۲۰٪ از روستاها به شهر، و ۳۰٪ بقیه نیز افرادی بوده‌اند که از نقاط مختلف شهری یا روستایی استان به روستاهای همین منطقه مهاجرت کرده‌اند. یادآوری می‌کنم که حداقل بخش عمده‌ای از جمعیت مهاجر شهر به شهر استان خوزستان نیز از مهاجرین

جنگ‌زده بوده که پس از جنگ به اقامتگاه قبلی خود بازگشته‌اند.

در این‌جا لازم به یادآوری است که گرچه بخش عمده‌ای از جمعیت درون کوچنده به استان خوزستان و مهاجرت داخلی درون استان را مهاجران بازگشتی تشکیل می‌داده که پیش از سال ۱۳۶۵ در اثر وقوع جنگ از مناطق جنگ‌زده به نقاط امن‌تر داخل و خارج استان کوچ کرده‌اند، اما باز هم در کل جمعیت مهاجر استان، به‌طور جنبی شواهدی از مهاجرت روستاییان به شهرها به چشم می‌خورد که از الگوی اصلی و رایج کشورهای جهان سوم است. چنان‌که مشاهده می‌شود حدود ۲۰٪ حجم جابه‌جایی‌های داخلی جمعیت در استان را مهاجرت روستاییان به شهرها تشکیل می‌دهد و این‌ها کسانی بوده‌اند که تا پیش از سال ۱۳۶۵ در روستا زندگی می‌کرده و از آن سال به بعد به شهرهای استان کوچ کرده‌اند. در این باره بعداً اشاره خواهد شد که در شهرهایی مانند ایزه و مسجد سلیمان که تا اندازه‌ای از آسیب جنگ در امان بوده‌اند الگوی کلاسیک مهاجرت در کشورهای جهان‌سومی، شکل غالب جابه‌جایی جمعیت بوده است. نکته‌ی دیگر این که گرچه عامل جنگ در جابه‌جایی جمعیت تأثیر عمده داشته، ولی باز هم به‌طور کلی متغیر سن - به عنوان شاخص مهم مهاجرت نیروی کار - اهمیت خود را نشان می‌دهد. در بین مهاجران وارد شده به خوزستان گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ ساله ۳۶/۵٪ جمعیت درون کوچنده به استان خوزستان را تشکیل می‌داده، در حالی که در بین برون‌کوچندگان استان این گروه سنی ۴۸/۸٪ جمعیت را به خود اختصاص داده است. این واقعیت می‌تواند نشانه‌ی آن باشد که جمعیت درون‌کوچنده بیش‌تر شامل مهاجرین بازگشتی بوده که خانوادگی از استان کوچ کرده و مجدداً همراه با خانواده به اقامتگاه قبلی خود بازگشته‌اند. شاهد دیگر این‌که بیش از ۲۸٪ جمعیت درون کوچندگان را کودکان زیر ۱۵ سال تشکیل می‌داده و این نسبت برای برون‌کوچندگان ۲۳/۶٪ کاهش یافته است. همچنین ۷/۲٪ جمعیت درون کوچنده افراد ۵۵ سال به بالا بوده‌اند در حالی که این گروه سالخورده فقط ۲/۹٪ جمعیت برون‌کوچنده را به خود اختصاص داده است. منظور این‌که برون‌کوچندگان عمدتاً شامل نیروی کار بوده که به دلیل شغل بهتر و درآمد بیش‌تر از استان کوچ کرده و مهاجرهای بازگشتی خانوادگی جابه‌جا شده و دلیل اصلی کوچ آن‌ها بازگشت به اقامتگاه قبلی‌شان بوده است (ارشاد و آقایی، ۱۳۷۹: ۴۹-۹۸).

دو الگوی مهاجرت در خوزستان

الف. مهاجرت مرحله‌ای^۱

چنان‌که اشاره شد، شکل غالب مهاجرت در کشورهای جهان سوم، مهاجرت روستاییان به شهرهاست. این‌گونه مهاجرت به دو صورت نسبتاً متفاوت انجام می‌شود: یکی مهاجرت زنجیره‌ای و دیگری مهاجرت مرحله‌ای، در مهاجرت زنجیره‌ای^۲ جوانان روستایی به دنبال بستگان یا دوستانی که در یک شهر بزرگ دارند که می‌توانند مهاجر تازه وارد را چندی در خانه‌ی خود نگه‌دارند یا جایی برای ماندن آن‌ها فراهم سازند و در پیدا کردن کار به آن‌ها کمک مؤثر کنند، تصمیم به مهاجرت به آن شهر می‌گیرند. از این رو، وجود چنین حامیانی در شهر، انگیزه‌ای قوی برای مهاجرت روستاییان می‌شود که مستقیماً از روستا به شهری بزرگ کوچ می‌کنند (مک‌دونالد و مک‌دونالد، ۱۹۶۴: ۸۲-۹۷). برای نمونه بر اساس مشاهدات شخصی نویسنده، در اهواز بعضی نانوائی‌های لوآشی به صورت شبکه‌ی ارتباطی غیررسمی درآمده که بسیاری از کارکنان در این شبکه‌ی ارتباطی اهل روستاهای گلپایگان و شهرهای آن حوالی هستند. وجود این شبکه در اهواز انگیزه‌ای قومی برای جوانان روستایی منطقه‌ی گلپایگان است که مستقیماً به اهواز مهاجرت کرده و با شروع کار ساده‌ی کارگری در نانوائی، رفته‌رفته شغل شاطری را فرامی‌گیرند و بر کاری ثابت سوار می‌شوند. در مهاجرت مرحله‌ای، بخشی از جوانان روستایی به‌ویژه مردان مجرد نخست به نزدیک‌ترین شهر مهاجرت می‌کنند. ممکن است این مهاجرت در آغاز موقتی و فصلی باشد. پس از چندی که مهاجرت توانست با شیوه‌ی کار و زندگی در شهر حداقل تطابقی پیدا کند به‌طور دایم به شهر می‌آید و کم‌کم راهی شهرهای بزرگ‌تر می‌شود که فرصت شغلی بیش‌تر و ثابت‌تر فراهم است. چون بخش عمده‌ای از مهاجرین روستایی تجربه‌ی شغلی مناسب شهر نداشته و همچنین مدارک تحصیلی مناسبی ندارند، جذب کارهای ساختمانی و مانند آن می‌شوند که عمدتاً نیاز به نیروی ساده‌ی بدنی دارد. این‌گونه کارها معمولاً در شهرهای بزرگ فراهم است. جدول (۲) و (۳) که تصویر کلی درون‌کوچی به ایزده و اهواز را نشان می‌دهد شاهد بارزی از مهاجرت کلاسیک مرحله‌ای است.

1. step migration

2. chain migration

جدول شماره‌ی ۲. مهاجرین وارد شده به شهر ایذه طی ده‌ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

جمع	شهرستان‌های سایر استان‌ها		سایر شهرستان‌های خوزستان		شهرستان محل سرشماری (ایذه)	
	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر
۱۷۴۸۵	۲۷۲	۱۳۶۵	۱۶۴	۱۹۶۲	۱۳۷۲۲	۰

جدول شماره‌ی ۳. مهاجرین وارد شده به شهر اهواز طی ده‌ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

جمع	شهرستان‌های سایر استان‌ها		سایر شهرستان‌های خوزستان		شهرستان محل سرشماری (اهواز)	
	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر
۱۰۸,۷۷۱	۲۱۲۹	۳۰,۳۱۸	۴۹۳۱	۴۳۲۸۰	۸۲۹۹	۱۹۸۱۴

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.

از جدول شماره (۲) این نتیجه به دست می‌آید که نزدیک به ۸۰٪ حجم درون‌کوچی به شهر ایذه را مهاجرت روستاییان همان شهرستان تشکیل می‌داده است. در حالی که طبق جدول شماره (۳)، ۵۰٪ جمعیت درون‌کوچنده به شهر اهواز را افرادی تشکیل می‌داده که از نقاط شهری همان شهرستان یا از شهرهای دیگر خوزستان به اهواز مهاجرت کرده‌اند و فقط ۱۲٪ درون‌کوچندگان به اهواز از روستاهای سراسر خوزستان، و ۳۰٪ بقیه از شهرستان‌های سایر استان‌ها به مرکز استان خوزستان آمده‌اند. به این ترتیب، احتمال کم‌تری وجود دارد که یک نفر روستایی دزفول یا بهبهان مستقیماً از زادگاه خود به اهواز کوچ کند. بلکه نخست به عنوان مهاجر ناب روستا به شهر از زادگاه روستایی خود به دزفول یا بهبهان می‌آید و پس از یکی دو سه سال (کم‌تر یا بیشتر) به صورت مهاجر شهر به شهر راهی اهواز می‌شود. جدول شماره (۴) که نشان‌دهنده‌ی سال‌های اقامت درون‌کوچندگان در شهر ایذه است تا اندازه‌ی زیادی الگوی مهاجرت مرحله‌ای را تأیید می‌کند.

چنانچه مشاهده می‌شود نزدیک به ۳۹٪ مهاجرین وارد شده به ایذه در یکی دو سال قبل از

سرشماری سال ۱۳۷۵ به ایزه آمده‌اند و با بالا رفتن سال‌های اقامت از تعداد مهاجرین وارد شده به شهر کاسته شده به طوری که فقط ۱/۸٪ آن‌ها نزدیک به ۱۰ سال است که به ایزه آمده و در همان جا اقامت گزیده‌اند. وضعیت مزبور دلالت بر این ندارد که سال‌های ۷۳ یا ۷۴ شرایط ویژه‌ای وجود داشته که مهاجرین بیش‌تری از روستاها دفع شده یا به شهر ایزه جذب شده باشند، بلکه بخش عمده‌ی درون‌کوچندگانی که ۸ یا ۹ سال به ایزه آمده‌اند پس از چندی اقامت در آن شهر، راهی اهواز یا شهرهای بزرگ‌تر خارج از استان شده و در آن شهرها سرشماری شده‌اند (البته به عنوان مهاجر شهر به شهر).

جدول شماره‌ی ۴. مهاجرین وارد شده به شهر ایزه بر حسب مدت اقامت سال ۱۳۷۵ (درصد)

مدت اقامت در ایزه	کم‌تراز ۱ سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	اظهار نشده	جمع
	۱۳/۵	۲/۹	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۰	۱۲/۵	۸/۷	۶/۹	۵/۵	۱/۸	۳/۸	۱۰۰

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.

ب. مهاجرت بازگشتی^۱

نکته‌ی قابل توجه این‌که «مهاجر بازگشتی» بیش‌تر دارای مفهومی جامعه‌شناختی است و با معنای جمعیت‌شناختی «مهاجر» و «درون‌کوچنده» تفاوت کیفی دارد. از آن‌جا که شکل عام مهاجرت در کشورهای جهان سوم، حرکتی یک سویه و عموماً بدون بازگشت است، از این رو مهاجرت بازگشتی کم‌تر مورد توجه بوده و از این رو به توصیف و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی و روانشناختی کشیده نشده است. درون‌کوچنده‌ی متعارف هنگامی که به کوچگاه وارد می‌شود خود را مهمان تلقی می‌کند. لازم به یادآوری است که اگر این مهاجر بیش‌تر در اثر نیروی دافعه‌ی خاستگاه (یا مبدأ مهاجرت) به جایی دیگر کوچ کند، در کوچگاه خود را مهمان ناخوانده (یا به قول گنورگ زیمل «غریبه») می‌داند - مثل بیش‌تر مهاجرین روستا به شهر در کشورهای جهان سوم - و اگر در اثر نیروی جاذبه‌ی کوچگاه اقدام به مهاجرت کرده باشد خود را مهمانی متعارف (یا به قول هندیان «عزیزه») می‌داند، در هر حال برحسب این یا آن حالت در مسیر همانندگردی با مردم جامعه‌ی میزبان قرار گرفته و با بردباری، فشارهایی کم یا زیاد را

1. return migration

تحمل می‌کند. ولی مهاجر بازگشتی، به‌ویژه آن‌که در اثر جنگ و ناخوابسته از منطقه کوچ کرده و اینک بازگشته است، نه فقط مهمان نیست، که خود را صاحب خانه و میزبان به حساب می‌آورد. از این رو، دلیلی نمی‌بیند که فشارهایی را تحمل کند، بلکه برعکس از مسئولین کوچگاه (یا اقامتگاه اصلی خود) توقع و انتظار بیش‌تری دارد. جدول شماره (۵) شمای کلی مهاجران بازگشتی به شهرهای آبادان و خرمشهر را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۵. مهاجرین وارد شده به شهرهای آبادان و خرمشهر طی ده‌ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

شهرها	شهرستان محل سرشماری		سایر شهرستان‌های خوزستان		شهرستان‌های استان‌های دیگر		جمع
	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	
آبادان	۴۰۵۵	۱۶۲۷	۱۰۱۰۱۸	۱۳۶۴۲	۹۶۱۹۷	۶۷۶۴	۲۲۳۳۰۳
خرمشهر	۲۲۳۵	۱۹۴۷	۵۵۰۹۶	۶۲۵۸	۴۰۳۴۸	۲۴۲۷	۱۰۸۳۱۱
جمع	۶۲۹۰	۳۵۷۴	۱۵۶۱۱۴	۱۹۹۰۰	۱۳۶۵۴۵	۹۱۹۱	۳۳۱۶۱۴

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.

جدول شماره (۵) تصویری کاملاً متفاوت با مهاجرت به ایزه را نشان می‌دهد. برخلاف وضعیت ایزه که ۸۰٪ درون‌کوچندگان ده ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به این شهر را درون‌کوچندگان روستایی همان شهرستان تشکیل می‌داده، در شهرهای آبادان و خرمشهر فقط ۷٪ درون‌کوچندگان از روستاهای خوزستان به این دو شهر آمده‌اند، و بقیه‌ی ۹۳٪ درون‌کوچندگان از شهرهای دیگر خوزستان یا سایر شهرستان‌های استان‌های دیگر به این دو شهر آمده‌اند. چون دلیل اصلی مهاجرت آن‌ها فروختن جنگ بوده، احتمال دارد که بخش عمده‌ی این جمعیت «مهاجران بازگشتی» بوده باشند که در اوایل جنگ - سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۳۶۰- از اقامتگاه خود - یعنی آبادان و خرمشهر - کوچ کرده و پس از خاتمه‌ی جنگ در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۶۰ به خانه و کاشانه‌ی خود بازگشته‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های توصیفی داده‌های جمعیتی استان خوزستان در ده ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که بخش عمده‌ی افزایش جمعیت استان به نرخ زاد و ولد و افزایش طبیعی جمعیت بوده و مهاجرت تأثیر فرعی در کاهش یا افزایش جمعیت استان داشته است. با وجود این جابه‌جایی نزدیک به یک میلیون نفر (شامل درون‌کوچی، برون‌کوچی، مهاجرت داخلی در استان) طی ده ساله‌ی مورد بررسی، خوزستان را در وضعیتی قابل مطالعه قرار داده است. نکته‌ی مهم این که با توجه به رقم خالص مهاجرت، استان خوزستان طی ده ساله‌ی فوق ظاهراً مهاجرپذیر بوده، اما به دلیل این که بخش عمده‌ی درون‌کوچندگان استان، مهاجران بازگشتی جنگ بوده به‌سختی می‌توان خوزستان را در ده ساله‌ی مزبور، منطقه‌ای مهاجرپذیر به شمار آورد. شاید اگر تحقیق مستقل و دقیق‌تری انجام گیرد ثابت شود که حداقل در این ده ساله، خوزستان مهاجرفرست بوده است.

در توصیف و تحلیل جابه‌جایی جمعیت در استان خوزستان در ده ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ دو الگوی بارز مهاجرت بازشناسی شد: یکی مهاجرت بازگشتی و دیگری مهاجرت مرحله‌ای یا پلکانی. در اثر وقوع جنگ بین عراق و ایران، جمعیت قابل توجهی از شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و دشت‌آزادگان به عنوان مهاجرین جنگ‌زده اقامتگاه خود را ترک کرده و به مناطق امن‌تری در داخل یا بیرون از استان مهاجرت کردند و سپس با فروکش کردن زبانه‌های جنگ، راه بازگشت در پیش گرفتند. بخش عمده‌ای از جابه‌جایی‌های جمعیتی در استان خوزستان، مربوط به سال‌های آغاز و پایان جنگ می‌باشد. گرچه رویداد مزبور مقطعی بود، اما به دلیل این که مهاجرین چند سالی از اقامتگاه اصلی خود دور بوده و در محل کوچگاه، زندگی و شغلی موقتی یا نیمه‌دایمی برای خود فراهم کردند، بازگشت و استقرار آن‌ها در اقامتگاه قبلی (یا اصلی) پیامد و شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرده که در روند توسعه‌ی منطقه تأثیر گسترده داشته، و تجزیه و تحلیل آن مستلزم تحقیق کافی و واقع‌بینانه است.

الگوی دوم، مهاجرت مرحله‌ای به شهرهایی است که از منطقه‌ی جنگی فاصله داشته و بیش‌تر در منطقه‌ی کوهستانی استان بودند، که اتفاقاً به دلیل شرایط اقلیمی (طبیعی-اجتماعی) دارای روستاهای بیش‌تر (ولی کم‌جمعیت‌تر) هستند. برای نمونه شهر ایذه را مورد توجه قرار دادیم که در ده ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ بیش‌ترین مهاجر را از روستا به همان شهر داشته است. با توجه به زمان مهاجرت از روستا به شهر و مدت اقامتی که مهاجر در ایذه داشته، به این نتیجه رسیدیم که ظاهراً بیش‌تر حجم مهاجرت از روستا به شهر در نیمه‌ی دوم ده ساله‌ی مورد تحقیق، و حتی دو سه سال پیش از سرشماری ۱۳۷۵ انجام گرفته است. اما در ایذه برخلاف آبادان و

خرمشهر و دشت آزادگان شرایط چندان متفاوتی نسبت به قبل وجود نداشته که تبیین‌کننده‌ی این وضعیت باشد. بلکه به احتمال بسیار قوی، بخش قابل توجهی از مهاجرین نیمه اول ده ساله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ پس از اقامتی سه چهار ساله (کم‌تر یا بیش‌تر) راهی شهرهای بزرگ‌تر مثل اهواز شده‌اند تا به فرصت‌های شغلی بهتر، شغل باثبات‌تر و درآمد بیش‌تری دست یابند.

منابع

MacDonald, J. S. and MacDonald, L. D., "Chain Migration: Ethnic Neighbourhood Formation and Social Network:", *The Millbark Memorial Fund Quarterly*, Vol. 42, 1964, PP. 82-97.

۱. زاكس، بوم‌شناسی و فلسفه‌ی توسعه، ترجمه‌ی حمید نوحی، نشر فرهنگی کیان، ۱۳۷۳.
- رفیعی، فرودس، «ارزیابی عملکرد بازسازی مناطق جنگزده‌ی استان خوزستان با تأکید بر شهر آبادان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه‌ی خوزستان، *آمارنامه‌ی استان خوزستان* ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، *سالنامه‌ی آماری ۱۳۷۵*، انتشار ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.
- ارشاد، فرهنگ و داود آقایی، «بررسی پدیده‌ی مهاجرت در استان خوزستان»، *مجموعه مقالات سازمان برنامه و بودجه‌ی خوزستان*، ۱۳۷۹.
- ا. س. اوبرای، *مهاجرت، شهرنشینی و توسعه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، انتشارات مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۰.

* * *

فرهنگ ارشاد دارای درجه‌ی دکترای تخصصی جامعه‌شناسی از دانشگاه لندن و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز است. وی مؤلف کتاب *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند و پیامدهای فرهنگی آن* و مترجم کتاب‌های *مهاجرت، شهرنشینی و توسعه* (۱۳۷۰)؛ *کار در غربت* (۱۳۸۰) و *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی* است. هم‌اکنون ترجمه‌ی کتاب *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها* تألیف جان فرن از وی در دست چاپ است. از این نویسنده مقالاتی درباره‌ی مهاجرت و فرار مغزها منتشر شده است. داود آقایی، کارشناس آمار سازمان برنامه و بودجه‌ی استان خوزستان.

